

منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه‌آن+۳ یا آسه‌آن+۶؟

دکتر بهاره سازمند* - دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران
احمد رضائی - کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

چکیده

بحران اقتصادی شرق آسیا یکی از وقایع مهمی بود که موجب شد کشورهای آن منطقه به واسطه وابستگی به کشورهای غربی متحمل خسارات فراوان شوند. بعد از بحران سال ۱۹۹۷ شرق آسیا، چین و ژاپن رقابت نزدیکی را در راستای شکل‌دهی به ساختار منطقه شروع کردند و برای دستیابی به رهبری شرق آسیا، فعالیت‌های فشرده‌ای را به صورت مستمر انجام می‌دهند. سؤال اصلی مقاله این است که اقدامات چین و ژاپن برای تسلط بر منطقه شرق آسیا در قالب آسه‌آن+۳ و آسه‌آن+۶ چگونه ارزیابی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله این است که چین و ژاپن با رژیم‌سازی و ایجاد موازنه از طریق گسترش عضویت، در صدد توسعه و تثبیت جایگاه خود در منطقه شرق آسیا در قالب آسه‌آن+۳ و آسه‌آن+۶ هستند. در این پژوهش سعی می‌شود با روش پژوهش پڑوهش مقایسه‌ای و به شیوه کتابخانه‌ای، واقعیت‌های موجود بیان شود و چرایی و چگونگی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: منطقه‌گرایی اقتصادی، چین، ژاپن، آسه‌آن+۳، آسه‌آن+۶، شرق آسیا.

۱- مقدمه

در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۷، اقتصاد جهانی نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۸ درصد را به ثبت رسانید؛ در آن مقطع زمانی در حالی که کشورهای در حال توسعه، نرخ رشد سالانه ۳/۳ درصد را تجربه می‌کردند، کشورهای صنعتی ۲/۶ درصد رشد سالانه را به ثبت رسانیدند. در میان کشورهای در حال توسعه، کشورهای آسیایی بهترین عملکرد را ثبت کردند، زیرا بیش از شش درصد در یک سال رشد داشتند. به لحاظ بهبود در درآمد سرانه، کشورهای در حال توسعه آسیایی، عملکرد قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با نقاط دیگر داشتند؛ آنها همچنین نرخ تورم پایین و افزایش سریع نرخ حجم تجارت بین‌المللی را به ثبت رساندند (Malcolm, 1990: 2).

بحران پولی و مالی آسیا محرکی قوی برای تشکیل چارچوب آسه آن+۳ بود، اما شکل‌گیری و همچنین تنظیم آن، روند به‌شدت کندی را طی کرد. برخی کشورهای منطقه از جمله چین تمایل چندانی به همکاری در برنامه منطقه‌ای شرق آسیا که توسط ژاپن دنبال می‌شد، نداشتند. بعد از نشست وزرای مالی آسه آن+۳ در ۱۹۹۹ بود که این واژه به‌صورت گسترده‌ای به کار رفت (Sudo, 2014: 184). آسه آن+۶ یا سران شرق آسیا، مدلی متفاوت است که توسط ژاپن و به‌عنوان بدیل آسه آن+۳ مطرح شد. این نهاد، آسه آن+۳ به همراه سه کشور استرالیا، نیوزیلند و هند را در بر می‌گیرد و به‌عنوان مدلی برای تأمین موازنه بیشتر در مقابل چین در نظر گرفته می‌شود؛ همچنین رویکرد گسترده‌تری را نسبت به منطقه شرق آسیا ارائه می‌کند (Lewis, 2012: 228). تحلیل روابط بین کشورهای مناطق جهان، بویژه قاره آسیا که نسبت به دیگر مناطق، از وجوه افتراق کمتری برخوردار بوده و شباهت‌های بیشتری دارند، نه تنها می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش‌روی علاقه‌مندان به این حوزه باز کند؛ بلکه راهنمای خوبی برای سیاست‌گذاران حوزه سیاست‌خارجی خواهد بود تا بتوانند براساس الگوهای موفق، به سمت پیگیری هرچه بیشتر منافع ملی کشور حرکت کنند. مطالب این مقاله به دو مبحث اصلی تقسیم می‌شود؛ در مبحث نخست، چارچوب نظری که ترکیب رژیم‌های بین‌المللی و موازنه‌سازی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در گام دوم، عوامل، روند، طرح‌ها و فعالیت‌های دو نهاد و میزان موفقیت آنها در براساس چارچوب نظری، ارائه می‌شود.

۲- روش تحقیق

تحلیل رژیم‌سازی منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن قدرت‌های اصلی آن منطقه بسیار دشوار است؛ بنابراین در مقاله حاضر روش توصیفی-تحلیلی با رویکردی مقایسه‌ای به کار گرفته می‌شود. براساس روش توصیفی-تحلیلی آنچه در واقع امر وجود دارد توصیف می‌شود و سپس به تشریح و تحلیل چرایی و چگونگی وضعیت مسئله پرداخته می‌شود.

سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که اقدامات چین و ژاپن برای تسلط بر منطقه شرق آسیا در قالب آسه آن ۳+ و آسه آن ۶+ چگونه ارزیابی می‌شود؟ علاوه بر پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی به شرح زیر است:

چه عوامل و زمینه‌هایی سبب شکل‌گیری این دو روند در جریان منطقه‌گرایی در شرق آسیا شده است؟

روند منطقه‌گرایی در شرق آسیا در قالب آسه آن ۳+ و آسه آن ۶+ یا سران شرق آسیا چگونه بوده است؟

دو روند آسه آن ۳+ و آسه آن ۶+ چه دستاوردهایی داشته است؟

کدام یک با اقبال بیشتری از سوی کشورهای منطقه مواجه شده است؟

جهت‌گیری آسه آن نسبت به این دو نهاد چگونه ارزیابی می‌شود؟

فرضیه مقاله با این گزاره که چین و ژاپن با رژیم‌سازی؛ چین به حمایت از نهاد آسه آن ۳+ و ژاپن در مقابل چین، به حمایت از آسه آن ۶+ می‌پردازند و از طریق گسترش عضویت نهادی در صدد توسعه و تثبیت جایگاه خود در منطقه شرق آسیا هستند، ساختار مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

۳- چهارچوب نظری

به دلیل تغییرات روز افزون در حوزه سیاست بین‌الملل، نظریات به تدریج قدرت تبیین خود را از دست می‌دهند و به همین دلیل نویسندگان مختلف پیوسته سعی دارند با تغییرات مقتضی، کارایی نظریات را بالا برده و نقایص آن‌ها را مرتفع کنند. بنابراین در مقاله حاضر الگوی نظری

ترکیبی (تلفیقی) متشکل از دو رویکرد رژیم‌های بین‌المللی و موازنه‌سازی جهت تحلیل موضوع به‌کار گرفته می‌شود.

۱-۳- نظریه رژیم‌های بین‌المللی

نظریه رژیم‌های بین‌المللی جهت توضیح همکاری دولتها در عرصه بین‌المللی ایجاد شد و هدف آن فراتر رفتن از نظریات واقع‌گرایی بود که نسبت به همکاری بین‌المللی بدبین بودند. محققان بسیاری در مورد تعریف رژیم، کارکرد و ابعاد آن مباحثی را ارائه داده‌اند به‌عنوان مثال: استفن کرسنر رژیم را به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد، و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا ضمنی تعریف می‌کند که انتظارات کنشگران را حول یک موضوع به هم نزدیک کرده و برآورده می‌کند. اصول، باورهایی در مورد حقیقت، علت و صحت عمل؛ هنجارها، الگوهای رفتاری در قالب حقوق و تکالیف؛ قواعد، تجویزهای خاص یا تجویزهایی برای کنش و رویه‌های تصمیم‌گیری، سنت‌های غالبی برای اتخاذ و اجرای انتخاب جمعی هستند (Krasner, 1983: 2). کیوهان و نای رژیم را ایجاد و پذیرش رویه‌ها، قواعد یا نهادهایی برای نوع خاصی از فعالیت‌ها، سامان حکومتی و کنترل روابط بین‌دولتی و فراملی می‌دانند و به‌صورت کلی آنها را ترتیبات حاکم می‌نامند (Keohane & Nye: 2012, 2001, 1997: 5). به‌صورت کلی، رژیم در دنیای کنونی به‌معنی سازوکارهایی به‌منظور قاعده‌مندساختن رفتار در نظر گرفته می‌شود که در عرصه بین‌المللی جهت اعتمادسازی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. رژیم‌سازی نیز به اقدامات بازیگران عرصه بین‌المللی (بویژه کشورها) جهت ایجاد سازوکارهای مشخص در راستای همکاری و کسب منافع بیشتر معنی می‌دهد. این چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل اقدامات چین و ژاپن با شرکا تجاری خود ویژه آسه آن به‌صورت اعم و آسه آن ۳+ و آسه آن ۶+ به‌صورت اخص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۳- موازنه‌سازی

موازنه قدرت [یا منافع] نیز یکی از قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم روابط بین‌الملل است. در

حالی که دیوید هیوم این واژه را معادل قانون علمی می‌داند و مورگنتا آن را در قالب «قانون آهنین سیاست» به کار می‌برد، هنری کسینجر این مفهوم را بیشتر هنر می‌داند تا علم (Levy, 2004: 29)؛ اما در حال حاضر، موازنه‌سازی بیشتر حالتی آگاهانه دارد و با قصد و هدف قبلی انجام می‌گیرد. موازنه‌سازی به معنی هر اقدامی توسط دولت در راستای محدودسازی طرف یا حریف مقابل است که به منظور جلوگیری از قدرت‌یابی سریع و بیش‌ازحد آن انجام می‌شود. در اینجا منظور از موازنه، شکل مسالمت‌آمیز آن و تأکید نیز بر به میدان آوردن بازیگران دیگر جهت ایفای نقش محدودکننده است. به دلیل ظهور پدیده‌ای با عنوان وابستگی متقابل فزاینده در روابط بین دولت‌ها، اکنون تلفیق و ترکیب نظریات، جهت قدرت‌دهی به توان تبیین نویسندگان، موضوعی است که باید در اینجا مدنظر قرار گیرد؛ در همین راستا سعی می‌شود اقدامات ژاپن و تا حدودی اندک آسه آن در قالب این چارچوب نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۴- آسه آن+۳

۴-۱- زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آسه آن+۳

شاید بتوان گفت تلاش‌ها در زمینه تحقق آسه آن+۳ در منطقه شرق آسیا، تحت تأثیر دو دسته عوامل: درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای صورت گرفته است. این عوامل سبب شدند تا کشورهای منطقه، به خصوص کشورهای حوزه شمال شرق آسیا، بازبینی جدی‌ای در سیاست‌های تجارت خارجی خود صورت و تلاش گسترده‌ای را برای گسترش تجارت درون‌منطقه‌ای انجام دهند. عواملی همچون وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا در ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و افزایش نرخ تجارت درون‌منطقه‌ای در آسیا در دهه ۱۹۹۰، از عوامل درون‌منطقه‌ای و گسترش منطقه‌گرایی در دیگر نقاط جهان، در زمره عوامل برون‌منطقه‌ای محسوب می‌شوند. در ادامه مختصراً به توضیح موارد مذکور پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱- وقوع بحران مالی و اقتصادی در آسیا در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷

با وقوع بحران ۱۹۹۷، اولین نشست آسه آن+۳ برگزار شد. بحران مالی و اقتصادی مزبور به‌عنوان کاتالیزور نهادینه‌سازی ترتیبات جدید منطقه‌ای محسوب می‌شود. تأثیر شوک برانگیز گسترش

دومینویی بحران، موجبات افزایش همکاری‌های مالی و اقتصادی کشورهای منطقه با یکدیگر را فراهم کرد (Stubbs, 2002: 441). بحران مالی و اقتصادی ۱۹۹۷، منجر به ایجاد تجربه تاریخی مشترک برای کشورهای منطقه شد. حتی کشورهایی که مستقیماً تحت تأثیر بحران قرار نگرفته بودند، بازتاب و پیامدهای آن را احساس کردند و مجبور شدند، اقداماتی را برای رفع آن اتخاذ کنند. از سوی دیگر، وقوع بحران غیرمؤثر بودن ترتیبات منطقه‌ای موجود مثل: اپک و آسه آن را ثابت کرد، زیرا هیچ یک از این دو نهاد منطقه‌ای نتوانستند کمک مؤثری به کشورهای متأثر از بحران ارائه کنند. همچنین وقوع بحران موجب شکل‌گیری اجماع و توافقی میان کشورهای منطقه بر سر این موضوع شد که صندوق بین‌المللی پول به رهبری ایالات متحده آمریکا، مشکل را اشتباه تشخیص داده و راه‌حل‌های ارائه‌شده از سوی صندوق، به‌جای رفع بحران، به وخیم‌تر شدن اوضاع کمک کرده است. صندوق بین‌المللی پول با مجاز دانستن افزایش نرخ سود و جریان آزادانه پول، به آسانی خصوصیت بحران مالی و پولی آسیایی را نادیده گرفت و منطقه وارد رکود عمیق اقتصادی شد. همچنین مخالفت ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی با پیشنهاد تأسیس صندوق پول آسیایی^۱ که ابزاری منطقه‌ای برای کاهش اثرات منفی بحران بود، خشم کشورهای منطقه را برانگیخت (Stubbs, 2002: 448-449).

در مجموع می‌توان گفت: بحران مالی و اقتصادی آسیایی، به کشورهای منطقه آموخت که اولاً، نیازمند ایجاد برخی سازوکارهای منطقه‌ای مبتنی بر اصل خودیاری^۲ به‌منظور جلوگیری از گسترش بحران مالی منطقه‌ای، مدیریت و حل آن هستند؛ ثانیاً، تلاش‌های منطقه‌ای مزبور، نشان دهنده عدم رضایت کشورهای منطقه شرق آسیا از ترتیبات مالی جهانی موجود مثل: صندوق بین‌المللی پول^۳ بود و ثالثاً، نشان می‌داد کشورهای منطقه دریافته‌اند که ثبات مالی منطقه‌ای، به عنوان اساس ثبات مالی جهانی به حساب می‌آید و تمایل خود را برای ارائه صدای آسیایی در مدیریت مالی جهانی ابراز کرده‌اند (Kawai, 2005: 37).

۱- در بخش بعد مفصلاً در این رابطه مباحثی ذکر خواهد شد.

2- Self-help principle

3- IMF

۴-۱-۲- توسعه منطقه‌گرایی در دیگر نقاط جهان

موفقیت دیگر سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای مثل: اتحادیه اروپایی و نفتا^۱ و محدودیت‌های آشکار آسه‌آن و اپک، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر گسترش منطقه‌گرایی در شرق آسیا محسوب می‌شود. به تعبیر دیگر، گسترش منطقه‌گرایی در دیگر مناطق جهان نظیر: شکل‌گیری اتحادیه اقتصادی و پولی در اروپا، گسترش اتحادیه اروپا، موفقیت نفتا و حرکت آن به سمت منطقه آزاد تجاری آمریکا، از دیگر عواملی است که سبب شده کشورهای شرق آسیا به دنبال ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای برآیند و قدرت چانه‌زنی خود را در مقابل ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا افزایش دهند. از سوی دیگر دولت‌های شرق آسیا از این می‌ترسند که با تقویت ترتیبات تجاری منطقه‌ای شرق آسیا، موقعیت خود را در رقابت‌های جهانی و سازوکارهای منطقه‌ای دیگر مانند: اپک و آسه‌آن از دست بدهند (Chuan Ong 2003: 58; Kawai, 2005: 37).

۴-۱-۳- گسترش سریع تجارت درون منطقه‌ای آسیا (۱۹۹۰-۱۹۹۷)

نرخ رشد تجارت منطقه‌ای آسیا در طول دهه ۱۹۹۰ ثابت کرد که این نرخ رشد، بیشتر از دیگر نقاط جهان در مقطع مذکور بوده است. میانگین نرخ رشد تجارت منطقه‌ای در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، دوازده درصد بود. طی این دوره، آسیا بزرگترین بازار صادرات کالاهای آسیایی بود و این موقعیت برتر حتی بعد از بحران مالی آسیایی نیز حفظ شده است (Chuan Ong 2003: 58).

۴-۲- پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه تحقق آسه‌آن+۳

از زمان اولین نشست اعضای آسه‌آن+۳ در سال ۱۹۹۷، فرایند تحقق آسه‌آن+۳ پویایی‌های اولیه مساعدی را از خود نشان داده است. متعاقب بیانیه مشترک همکاری شرق آسیا در سال ۱۹۹۹، نشست‌ها و اجلاس‌های متعددی در سطوح مختلف سران، وزرای امور خارجه، وزرای مالی، وزرای اقتصاد و کارشناسان حوزه‌های مذکور صورت گرفته است. اجلاس‌ها و نشست‌های

1- North American Free Trade Agreement (NAFTA)

مزبور در لایه‌های مختلفی برگزار شده است. در واقع چارچوب آسه‌آن+۳، ساختاری چند لایه دارد که متشکل از سه سطح مجزا: سطح آسه‌آن+۳؛ سطح آسه‌آن+۱ و سطح آسه‌آن+۳ است. سطح آسه‌آن+۳، سطحی است که در آن نمایندگان تمامی ۱۳ کشور منطقه حضور دارند. سطح آسه‌آن+۱، سطحی است که نمایندگان یکی از سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی به همراه نمایندگان آسه‌آن حضور دارند و بالاخره سطح آسه‌آن+۳، سطحی است که در آن تنها نمایندگان سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی حضور دارند و هیچ یک از نمایندگان آسه‌آن در آن حاضر نیستند^۱ (Suzuki, 2004: 2).

شاید بتوان گفت یکی از مهمترین ویژگی‌های چارچوب آسه‌آن+۳ این است که زمینه اصلی اغلب فعالیت‌ها و تصمیمات اجرایی آن در جلسات نمایندگان دولت‌های عضو اتخاذ می‌شود. این روش «دیپلماسی کنفرانس»^۲ نامیده می‌شود. دیپلماسی کنفرانس به‌عنوان بخشی از مدیریت روابط بین حکومت‌ها و بخشی از مدیریت روابط بین حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که در کنفرانس‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. این نوع از دیپلماسی در بیشتر نشست‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی که معمولاً یا به‌صورت فوق‌العاده و یا بر اساس سند تأسیس سازمان‌های بین‌المللی باید برگزار شوند، اتفاق می‌افتد. به تعبیر دیگر مفهوم دیپلماسی کنفرانس مبنایی است برای فهم ابعاد نهادی چارچوب‌هایی که در آن همکاری از طریق نشست‌ها و اجلاس‌ها ترویج می‌شود. چارچوب آسه‌آن+۳ نیز از طریق دیپلماسی کنفرانس، یعنی همان نشست‌ها و اجلاس‌های نمایندگان حکومت‌های عضو، نهادینه و تقویت شده است (Suzuki, 2004: 2).

۴-۳- چارچوب نهادی و سازمانی آسه‌آن+۳

اولین بار طرح ایجاد دبیرخانه (به‌عنوان یکی از ارکان ضروری برای شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی) آسه‌آن+۳، از سوی کشور مالزی در سال ۲۰۰۱ ارائه شد. در

۱- باید بین دو مفهوم «چارچوب آسه‌آن+۳» و «آسه‌آن+۳» تمایز قائل شد. چارچوب آسه‌آن+۳، چارچوبی کلی و در برگیرنده هر سه سطح مذکور، درحالی که آسه‌آن+۳، تنها مبین یک سطح در درون چارچوب کلی آسه‌آن+۳ است و سه کشور چین، ژاپن، کره جنوبی و تمامی ۱۰ عضو آسه‌آن در آن حضور دارند.

ادامه، در سی و پنجمین نشست وزرای امور خارجه اعضای آسه آن که در جولای سال ۲۰۰۲ در برونی برگزار شد، مالزی تمایل خود را برای اختصاص ۱۰ میلیون دلار جهت هزینه عملیات اجرایی تشکیل دبیرخانه آسه آن+۳ در پنج سال اولیه تشکیل آن ابراز کرد، اما مقامات ارشد اعضای آسه آن شروط خود را در مورد طرح مالزی ارائه و تأکید کردند که ترجیح می دهند دبیرخانه آسه آن را برای ترویج همکاری‌ها در چارچوب آسه آن+۳ تقویت کنند. در طول نشست مزبور، مقامات ارشد درباره ۳ گزینه با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پرداختند. این سه گزینه عبارت بودند از: ۱- طرح مالزی برای ایجاد دبیرخانه جدید آسه آن+۳؛ ۲- گسترش دبیرخانه آسه آن در جاکارتا و ۳- تأسیس دفتر آسه آن+۳، درون دبیرخانه آسه آن. گزینه دوم به معنای حفظ سازوکار موجود در دبیرخانه آسه آن، بدون ایجاد تغییر در ساختار نهادی آن بود. دبیرخانه آسه آن حمایت خود را از گزینه دوم به عمل آورد و پذیرفت که یک واحد آسه آن+۳ را درون دفتر همکاری و روابط خارجی دبیرخانه آسه آن قرار دهد، زیرا ایجاد واحد آسه آن+۳، به دلیل وجود محدودیت‌های کارکنان و بودجه دبیرخانه، بسیار آسان‌تر و به صرفه‌تر از تأسیس دفتر جدید در دبیرخانه آسه آن تحت عنوان دفتر آسه آن+۳ بود (Suzuki, 2004: 9).

از سوی دیگر، در همان سال ۲۰۰۱ نیز ایده «سران شرق آسیا»^۱ به جای نشست آسه آن+۳ ارائه شد. مطابق گزارش گروه مطالعاتی شرق آسیا که در سال ۲۰۰۲ به نشست آسه آن+۳ ارائه شد، سه ابزار مهم برای همکاری نهادی در شرق آسیا ارائه شد که عبارت بودند از: ۱) تبدیل نشست آسه آن+۳ به سران شرق آسیا؛ ۲) نهادینه کردن گفتگوهای منطقه‌ای در قالب نشست‌های منظم وزرای امور خارجه، سران، وزرای مالی، اقتصاد و کارشناسان رسمی و متمایز ساختن موضوعات سیاسی و امنیتی از موضوعات اقتصادی و مالی؛ ۳) ایجاد چارچوبی با عنوان شرق آسیا متشکل از: نمایندگان حکومتی و غیرحکومتی منطقه‌ای بخش‌های مختلف، با هدف عمل به عنوان سازوکار نهادی برای همکاری منطقه‌ای (Suzuki, 2004: 10).

۳-۴- تشکیل آسه آن+۳

در واقع دو موضوع مهم در شکل‌گیری آسه آن+۳ مؤثر واقع شد: نخست، موفقیت نشست ۱۹۹۶ آسیا-اروپا در بانکوک، با حضور رهبران ۷ کشور آسه آن به‌علاوه چین، ژاپن و کره جنوبی (Nemoto & Nakagawa, 2014: 189) و دوم اینکه، در ژانویه ۱۹۹۷، نخست وزیر ژاپن، ریوتارو هاشیموتو^۱ از جنوب‌شرق آسیا دیدن و موضوع آسه آن+۱ را مطرح کرد (Hirakawa, 2005: 206) که ده کشور جنوب‌شرق آسیا و ژاپن را در بر می‌گرفت. نشست منظم سران یکی از اهداف طرح پیشنهادی ژاپن بود که هدف آن، کاهش نگرانی‌های چین و آسه آن در مواجهه با دستورالعمل‌های دفاعی ژاپن-ایالات متحده بود (Hirakawa, 2005: 207). ژاپن هم‌زمان در حال تقویت پیمان دفاعی خود با ایالات متحده بود. چین نیز سیاست‌های دفاعی ژاپن را زیر نظر داشت. یکی از اهداف دیپلماسی ژاپن در این دوره، توسعه روابط با آسه آن، به‌منظور ایجاد موازنه در برابر چین بود. در این رابطه نیز ژاپن در تلاش بود، نگرانی و سوء تفاهم ایجادشده در مورد سیاست دفاعی خود را برای کشورهای آسه آن توضیح دهد. با این حال رهبران آسه آن ترجیح دادند روابط متوازن نیرومندی را با هر دو کشور چین و ژاپن دنبال کنند. در نتیجه، طرح متقابلی را با عنوان نشست سران آسه آن+۳ ارائه دادند (Hirakawa, 2004: 22). موضوع گفتگوی سیاسی و بازبینی اقتصادی^۲ آسه آن+۳، در سال ۲۰۰۰ مطرح شد. براساس آن، قرار شد وزرای مالی آسه آن+۳ هر ساله و معاونان آنها هر شش ماه یکبار تشکیل جلسه دهند. معاونان آنها در خصوص مسائلی همچون: ارزیابی شرایط و خطرات ملی، منطقه‌ای، جهانی، بازبینی توسعه و آسیب‌های بخش مالی (شامل بازار اوراق قرضه) و دیگر موضوعات، به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند (Rana, 2012: 32). در دومین نشست غیررسمی و سی‌امین سال تأسیس آسه آن، کشورهای عضو نهاد مزبور به دنبال کار بر روی نشست سران آسه آن+۳، از راه دعوت رهبران چین، ژاپن و کره جنوبی بودند. این نکته شایان ذکر است که نشست در بحبوحه بحران پولی برگزار و لزوم همکاری منطقه‌ای بیش از پیش آشکار

1- Ryūtarō Hashimoto

2- Economic Review and Policy Dialogue

شد (Hirakawa, 2005: 207). برای عملی کردن هدف تأمین رفاه جنوب شرق آسیا، کشورهای آسه‌آن به دنبال تعامل با سه دولت عمده شرق آسیا بودند. جرقه گفتگوهای آسه‌آن+۳ حقیقتاً در ۱۹۹۷ شکل گرفت، اما در ۱۹۹۸ و نشست غیررسمی در هانوی بود که روند نهادینه شدن آغاز شد (Thomas, 2004: 194). در نشست سران آسه‌آن+۳ در ۱۹۹۸ در مانیل، چین پیشنهاد برگزاری نشست نمایندگان (وزرا) مالی آسه‌آن+۳ را داد و اولین نشست آن، در مارس ۱۹۹۹ برگزار شد (Hamanaka, 2010: 117).

در نشست سران آسه‌آن+۳ که در سال ۱۹۹۹ در مانیل (سومین نشست غیررسمی سران) برگزار شد، بر اهمیت توسعه سازوکارهای حمایتی و خودیارانه در شرق آسیا، با محوریت همکاری پولی و مالی تأکید شد و حتی طرح ایجاد «صندوق پول آسیایی» مبحثی از گفتگو را به خود اختصاص داد (Hirakawa, 2005: 206). رهبران آسه‌آن+۳ بیانیه مشترکی را با موضوع همکاری شرق آسیا منتشر کردند. در بیانیه آمده است که رهبران آسه‌آن+۳، در حوزه‌های همکاری پولی و مالی، سیاست تقویت گفتگو، هماهنگی و همکاری در مسائل مشترک پولی، مالی و مالیاتی موافقت کردند. تمرکز اساسی بر مسائل مربوط به مدیریت ریسک اقتصاد کلان، افزایش نظارت مشترک، نظارت بر جریان سرمایه منطقه، تقویت نظام مالی و بانکی، اصلاح ساختار مالی بین‌المللی و افزایش سازوکار حمایت و خودیاری در شرق آسیا و در قالب آسه‌آن+۳ شامل: گفتگوهای پیوسته و سازوکار همکاری مقامات و رهبران مالی و بانک مرکزی آسه‌آن+۳ بود (Nemoto & Nakagawa, 2014: 189). چین بعد از بحران پولی و مالی شرق آسیا در تلاش بود نقش فعالی را در شکل‌دهی به رژیم‌های منطقه‌ای، بویژه منطقه شرق آسیا بازی کند. با اینکه ژاپن در امر رژیم‌سازی پیشرو بود و بانک توسعه آسیایی (و دیگر رژیم‌های متفاوت) را در کارنامه خود داشت، طرح ایجاد صندوق پول آسیایی این کشور در بحبوحه بحران ۱۹۹۷ شکست خورد و چین فرصت را غنیمت شمرده و تشکیل آسه‌آن+۳ را مطرح کرد تا بتواند در آینده مناسبات منطقه‌ای جای پای خود را باز کند. چین در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ پیوسته سعی داشت ابتدا در منطقه شرق و جنوب شرق آسیا، رژیم‌هایی را ایجاد کند و از این راه موجبات گسترش (حوزه جغرافیایی) آن در آینده‌ای نزدیک را فراهم سازد. به همین ترتیب از

رژیمی منسجم‌تر و با تعداد اعضای کمتر در منطقه شرق و جنوب شرق آسیا حمایت می‌کرد. در همین راستا، تلاش‌های چین اغلب صرف توسعه همکاری در قالب آسه‌آن+۳ شد. در ادامه طرح‌هایی که برای توسعه همکاری در آسه‌آن+۳ مطرح و اجرایی شده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴-۴- طرح‌های ارائه شده در قالب آسه‌آن+۳

۴-۴-۱- گروه ناظر و گروه مطالعاتی

در نشست سال ۱۹۹۹، افزایش فرآیند گفتگوها و تقویت همکاری، با هدف توسعه همکاری در شرق آسیا مورد توافق قرار گرفت. رهبران آسه‌آن+۳ در نشست مزبور بر تعهد خود به فرآیندهای همکاری و مشورت و همچنین اعمال مشترک تأکید کردند. حوزه‌های همکاری اقتصادی شامل: فن‌آوری اطلاعات، تجارت الکترونیک، تقویت شرکت‌های کوچک و متوسط، همکاری کشاورزی و صنعتی و همچنین همکاری در تجارت و سرمایه‌گذاری بود. در حوزه همکاری پولی و مالی، شرکا اصلاحات در ساختار مالی بین‌المللی را خواستار شدند. در این راستا، طرح گروه ناظر^۱ شرق آسیا توسط رئیس جمهور کره جنوبی داده شد و در اکتبر ۱۹۹۹ این نهاد شکل گرفت (Hirakawa, 2004: 22). گروه مزبور برای گزارش اقدامات شکل گرفت تا همکاری بین حکومتی میان جنوب شرق آسیا و شمال شرق آسیا را گسترش دهد. همچنین گروهی مطالعاتی متشکل از مقامات شرق آسیا در نوامبر ۲۰۰۰ به وجود آمد. این گروه گزارش‌های گروه ناظر را دریافت کرد و بعد از تحلیل، پیشنهادهای برنامه‌ریزی شده‌ای را در سال ۲۰۰۲ به نشست سران آسه‌آن+۳ در پنوم پن^۲ (پایتخت کامبوج) ارائه داد (Weatherbee, 2005: 102). سال ۲۰۰۰ پیشرفت سریعی را در همکاری مالی در چارچوب آسه‌آن+۳ به خود دید. نمایندگان وزرای مالی و مقامات بانک مرکزی کشورهای آسه‌آن+۳ در بروئی ملاقات داشتند و توافق کردند، سازوکار همکاری مالی در مواقع بحران اقتصادی را بررسی کنند. نشست یانگون میانمار نیز بین وزرای اقتصادی در ماه مه ۲۰۰۰ برگزار شد و از آن به بعد سالانه برگزار می

1- Vision group

2- Phnom Penh

شود (Tanaka, 2007: 65). چین سعی داشت در قالب آسه‌آن+۳ توسعه همکاری در عرصه‌های مختلف را دنبال کند و مقدمات اقدام‌های بعدی خود را فراهم سازد، این امر چین را به سمت ارائه و حمایت از طرح‌های گوناگونی سوق می‌داد تا از این راه بتواند همسایگان جنوبی خود را که اکثراً کشورهای در حال توسعه بودند، جهت پیوند با منافع خود مجاب کرده و از این اهرم اقتصادی برای تأمین منافع خود استفاده و بهره‌برداری کند.

۲-۴-۴- طرح چیانگ مای

در نشست سران آسه‌آن که در سال ۲۰۰۰ در چیانگ مای تایلند برگزار شد، توافقی بر سر طرح چیانگ مای شکل گرفت که سازوکاری برای مبادلات دوجانبه بین کشورها بود و می‌توانست گامی نخست برای تأسیس صندوق پول آسیایی و پول مشترک باشد (Hirakawa, 2005: 206). در طرح مزبور، ابتدا بر لزوم ایجاد ترتیبات مالی منطقه‌ای که تکمیل‌کننده تسهیلات موجود بین‌المللی است، در جهت تقویت سازوکار حمایت و خودیاری در شرق آسیا تأکید شد. طرح شامل: توافق مفصلی درباره مبادله در آسه‌آن و شبکه‌ای از مبادلات دوجانبه و توافق خرید مجدد تسهیلات میان کشورهای آسه‌آن، چین، ژاپن و کره جنوبی بود. همچنین در طرح مزبور بر سودمندی بازبینی‌های اقتصادی و گفتگوهای سیاسی میان اعضا تأکید شد. به‌عنوان گام نخست، وزرای مالی آسه‌آن+۳ تصمیم گرفتند، افرادی را برای تسهیل نظارت اقتصادی منطقه‌ای تعیین کنند (Hamanaka, 2010: 118). در سال ۲۰۰۰ چین نقش فعالی را در طرح چیانگ مای در رابطه با ایجاد شبکه‌ای از ترتیبات مبادلات و ذخایر ارزی به‌منظور جلوگیری از بحران مشابهی در آینده بازی کرد (Hörhager, 2016: 368).

در طرح مذکور اعضا موافقت کردند موافقتنامه مبادلات ارزی آسه‌آن^۱ را به تمام اعضا آسه‌آن+۳ گسترش دهند و شبکه‌ای از موافقتنامه‌های مبادلات دوجانبه ارزی را میان کشورهای آسه‌آن+۳ تنظیم کنند. در نوامبر سال ۲۰۰۰ حجم مبادلات ارزی از ۲۰۰ میلیون دلار به ۱ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۵ حجم مبادلات مجدداً افزایش یافته و به ۲ میلیارد دلار رسید. شبکه‌ای

از موافقتنامه‌های مبادلات ارزی بین کشورهای +۳ و کشورهای +سه و کشورهای منتخب آسه‌آن امضا شد. هشت عضو آسه‌آن+۳، ۱۶ موافقتنامه مبادلات ارزی به ارزش ۸۴ میلیارد دلار امضا کردند. وزرای مالی در سال ۲۰۰۹ جلسه داشتند و حجم این مبادلات ارزی به ۱۲۰ میلیارد رسید. در اعلامیه ۲۰۱۰ وزرای مالی آسه‌آن+۳، وزرا اعلام کردند که موافقتنامه چندجانبه‌سازی طرح چیانگ مای^۱ با ایجاد صندوق بحران ۱۲۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۰ اجرایی شد. همچنین وزرای مالی آسه‌آن+۳ در مورد اصول ایجاد واحد نظارت اقتصاد کلان منطقه‌ای طرح چیانگ مای، تحت عنوان «دفتر تحقیق اقتصاد کلان آسه‌آن+۳»^۲ توافق کردند. این دفتر در سال ۲۰۱۱ در سنگاپور تأسیس شد و وظیفه آن نظارت منطقه‌ای بر آسیب‌های مالی و اقتصاد کلان منطقه و تک‌تک کشورها، و کمک به راه‌اندازی چندجانبه‌گرایی طرح چیانگ مای است (Rana, 2012: 35,36). گسترش گفتگوها درون آسه‌آن+۳، به تدریج به حوزه‌های دیگر سرایت کرده و منجر به گسترش گفتگوها شده که شامل: نشست در سطح وزرا اعم از: نشست وزرای مالی و اقتصادی، نشست وزرای کشاورزی و جنگلبانی، نشست وزرای توریسم است (Curley & Thomas, 2007: 16). در نشست وزرای مالی آسه‌آن+۳ که در سال ۲۰۰۹ در تایلند برگزار شد، بر سر ساخت طرح نقشه راه بازار اوراق قرضه آسیایی توافق شد. همچنین بر مذاکرات پیوسته برای تأمین هزینه زیرساخت‌های منطقه‌ای اشاره شد. موارد مذکور سبب تشدید توسعه همکاری در بهبود زیرساخت‌های کشاورزی، و پیشرفت توافقات تجارت آزاد دوجانبه و چندجانبه شد و توان اقتصادی و رشد در منطقه را بالا برد (Wang, 2009: 131).

۳-۴-۴- ابتکار بازار اوراق قرضه آسیایی^۳
در چارچوب آسه‌آن+۳، ژاپن طرح ابتکار بازار اوراق قرضه آسیایی را در سال ۲۰۰۲ ارائه داد که توسط وزرای مالی آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۳ امضا شد. در این طرح تصریح شد: هدف طرح، توسعه کارآمد و بازارهای اوراق قرضه شناور در منطقه است که سبب تسهیل بهره‌وری بهتر از

1- Chiang Mai Initiative Multilateralization
2- ASEAN +3 Macroeconomic Research Office (AMRO)
3- Asian Bond Market Initiative (ABMI)

ذخایر منطقه برای سرمایه‌گذاری منطقه‌ای می‌شود و همچنین توانایی شرکت‌ها و بانک‌های منطقه را نسبت به افزایش تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، بدون ریسک ارزی بالا می‌برد. طرح دیگر حائز اهمیت، صندوق اوراق قرضه آسیایی و محرک آن، نشست هیئت رئیسه بانک‌های مرکزی شرق آسیا اقیانوس آرام است. اعضا این انجمن از تعداد اعضای آسه آن+۳ بیشتر است و نیوزیلند، استرالیا و هنگ‌کنگ را هم در بر می‌گیرد و برای محافظت از ارزش‌های خارجی این کشورها به وجود آمده است (Hayashi, 2006: 122). اهمیت طرح بعد از بحران مالی جهانی، با ظهور وظایفی مانند: تضمین ثبات مالی، توسعه تقاضای درون منطقه‌ای و ادغام اقتصاد منطقه‌ای افزایش یافت که در چند مورد زیر قابل ذکر است: نخست، به دلیل جریان سرمایه، کشورهای آسیایی به توسعه قابلیت خود در راستای مقابله با بحران مالی نیاز دارند؛ دوم، بعد از بحران ۱۹۹۷، آسیا رشد اقتصادی صادرات محور داشت و چون نمی‌توانست به تقاضای کشورهای پیشرفته اتکا کند، نیازمند گسترش تقاضای داخلی و تغییر راهبردهای رشد صادرات محور بود. جهت دستیابی به اهداف مورد نظر، شش گروه کاری و برنامه توسعه‌ای با نام «نقشه راه طرح بازار اوراق قرضه آسیایی» در سال ۲۰۰۵ ایجاد شد. اهداف برنامه، چهار حوزه را از قبیل: گسترش ذخایر اوراق قرضه؛ گسترش تقاضای اوراق قرضه؛ بهبود چهارچوب تنظیمی و بهبود ساختار مربوط به بازار شامل می‌شد. در سال ۲۰۰۹، ابتکار «تسهیل سرمایه‌گذاری و تضمین اعتبار»^۱ تصویب شد. این نهاد به‌عنوان صندوق معتمد بانک توسعه آسیایی با سرمایه اولیه ۷۰۰ میلیون دلار ایجاد شد. جلسه عمومی آن در سال ۲۰۱۰ برگزار شد (Shimizu, 2014: 76-78). بازار بورس اوراق بهادار^۲ توسط وزرای مالی آسه آن+۳ در سال ۲۰۱۰، با هدف تسریع استانداردسازی سازوکار بازار و هماهنگ‌سازی قواعد مربوط به شفاف‌سازی‌های اوراق قرضه فرامرزی در منطقه امضا شد (Basu Das, 2016: 210).

1- Credit Guarantee and Investment Facility (CGIF)

2- ASEAN +3 Bond Market Forum (ABMF)

۴-۴-۵- منطقه آزاد تجاری شرق آسیا^۱

چین پیشنهاد ایجاد منطقه آزاد تجاری سه‌جانبه شمال شرق آسیا بین چین، ژاپن و کره جنوبی و همچنین منطقه آزاد تجاری شرق آسیا را برای کشورهای آسه آن+۳ داده است (Kawai & Wignaraja, 2008: 116). طرح شکل‌گیری منطقه آزاد تجاری وسیع شرق آسیا، برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ مطرح شد. در هفتمین نشست آسه آن+۳ در اکتبر ۲۰۰۳، نخست‌وزیر چین ون جیابائو^۲، بررسی امکان منطقه آزاد تجاری در شرق آسیا را مطرح کرد. براساس طرح نخست‌وزیر چین، وزراء اقتصادی آسه آن+۳ در سپتامبر ۲۰۰۴ توافق کردند، گروهی تخصصی را برای بررسی امکان منطقه آزاد تجاری شرق آسیا ایجاد کنند. گروه مزبور، چهار دور نشست را از آوریل ۲۰۰۵ تا ژوئیه ۲۰۰۶ برگزار کرد و در اوت ۲۰۰۶، گزارشی را به نشست وزراء اقتصادی آسه آن+۳ ارائه داد. در این گزارش پیشنهاد شده بود که درخصوص ایجاد منطقه آزاد تجاری میان کشورهای آسه آن+۳، ابتدا باید مذاکره شود و عضویت آن برای اقتصادهای دیگر شرق آسیا آزاد باشد. در دهمین نشست آسه آن+۳ در ۲۰۰۷، رهبران از نتیجه گزارش گروه مطالعاتی استقبال کردند، اما شروع فرآیند مستقل طرح را نپذیرفتند (Yoshimatsu, 2014: 46,47). تقابل بین طرفداران منطقه آزاد تجاری شرق آسیا (چین) و طرفداران مشارکت اقتصادی جامع برای شرق آسیا (ژاپن)، نزدیک به پنج سال به طول انجامید که انعکاس‌دهنده منافع متضاد چین و ژاپن و دیدگاه آن‌ها به منطقه شرق آسیا بود (Oba, 2014: 62). طرح به دلیل مخالفت‌های ژاپن و اقلان سران کشورهای آسه آن توسط این کشور مبنی بر گسترش اعضای منطقه آزاد تجاری شرق آسیا به مرحله اجرا نرسید. ژاپن سعی داشت با وارد کردن کشورهای دیگری در رژیم بدیل، در برابر نفوذ فزاینده چین موازنه ایجاد کند.

1- East Asia Free Trade Area (EAFTA)

2- Wen Jiabao

جدول شماره ۱: ابتکار آسه‌آن ۳+

دستاوردها	اهداف	طرح ها	کشورهای حاضر	بازیگر اصلی
افزایش همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه در حوزه‌های موضوعی مختلف	گسترش همکاری‌های چندجانبه بین ملل جنوب شرق آسیا و سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی (دلیل حمایت چین از این نهاد حفظ و گسترش نفوذ خود بر آسه‌آن است)	گروه مطالعاتی (کره جنوبی) و گروه ناظر منطقه آزاد تجاری شرق آسیا (چین)	آسه‌آن، چین، کره جنوبی و ژاپن	چین
		چیانگ مای (سازو کار مبادلات دو جانبه)		
		بازار اوراق قرضه آسیایی (ژاپن)		

۵- آسه‌آن ۶+

۵-۱- شکل‌گیری آسه‌آن ۶+

آسه‌آن ۶+ یا مشارکت جامع اقتصادی در شرق آسیا، مدلی متفاوت است که به‌عنوان بدیل آسه‌آن ۳+ توسط ژاپن مطرح شد. طرح مزبور، آسه‌آن ۳+ به همراه سه کشور استرالیا، نیوزیلند و هند را در بر می‌گیرد و به‌عنوان مدلی برای تأمین موازنه بیشتر در مقابل چین در نظر گرفته می‌شود و همچنین رویکرد گسترده‌تری را نسبت به منطقه شرق آسیا ارائه می‌کند (Lim & others, 2012: 228). ژاپن به علت پیوندهای عمده سرمایه‌گذاری و تجاری با ایالات متحده و کشورهای غربی، به‌دنبال جلوگیری از ادغام این انجمن به بلوک اقتصاد آسیایی صرف، با رهبر فرضی آن (چین) بود و برای ایجاد اجتماع کشورهای شرق آسیا شامل: آسه‌آن ۳+ و همچنین استرالیا، نیوزیلند و هند تلاش کرد. برگزاری نشست سران شرق آسیا که اولین نشست آن در دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد، قدمی در همین راستا بود (Schott & Muir, 2012:52). قدم دیگری به‌سوی همکاری بیشتر در شرق آسیا، پیش از اتمام قرن ۲۰ برداشته شد و اعضای

آسه‌آن+۳ در سال ۲۰۰۰، به‌عنوان چهارمین نشست خود با یکدیگر دیدار کردند و گروه مطالعه شرق آسیا را برای سنجش دو ایده تحت عناوین «سران شرق آسیا» و «منطقه آزاد تجاری شرق آسیا» به‌وجود آوردند. ایده نخست که توسط مالزی مطرح شد، اقدامی بود جهت جایگزینی نشست کنونی آسه‌آن+۳ و ایده دوم هم توسط تایلند مطرح شد و هدف از طرح آن، تشکیل منطقه آزاد تجاری شرق آسیا بود. اعضا همچنین در مورد بررسی امکان ایجاد منطقه سرمایه‌گذاری آزاد توسط گروه مطالعه شرق آسیا توافق کردند. تا آنجایی که به موضع ژاپن مربوط می‌شد، نخست‌وزیر وقت ژاپن - یوشیرو موری^۱ - بعد از نشست پیشنهاد داد که ژاپن مایل است گفتگو درباره سران شرق آسیا را با آسه‌آن به بحث گذارد، هرچند به‌نظر می‌رسید ژاپن نسبت به منطقه آزاد تجاری محتاط‌تر است. وزیر امور خارجه ژاپن نیز اظهار داشت: ایده تشکیل منطقه آزاد تجاری ساده نبوده و نیاز به بررسی بیشتر توسط مقامات منطقه‌ای دارد (Hayashi, 2006: 116). نقطه آغازین برای تحلیل طرح سران شرق آسیا، واژه اجتماع شرق آسیا است که توسط نخست‌وزیر ژاپن کویزومی^۲ (۲۰۰۱-۲۰۰۶)، در طول مجموعه دیدارهای خود از کشورهای جنوب شرق آسیا در سال ۲۰۰۲ مطرح شد. این امر بخشی از دیپلماسی تهاجمی رئیس حکومت ژاپن، با هدف تقویت جایگاه منطقه‌ای کشور خود در مقابل چالش هژمون در حال ظهور (چین) بود (Bobowski, 2016: 43,44). با این حال در ابتدا مقامات چین از اعلام موضع خود نسبت به دو طرح امتناع می‌کردند. به‌نظر می‌رسید چین به علت ارائه طرح منطقه آزاد تجاری شرق آسیا آشفته شده بود. چین همکاری با ژاپن و کره جنوبی را پذیرفت، اما در عین حال، برای ایجاد منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن [دوجانبه] تلاش می‌کرد. توافق چین، با وجود مخالفت قبلی، به این دلیل بود که رهبران سه کشور شمال شرق آسیا در زمان‌های مقرر، در نشست‌های آسه‌آن+۳ همکاری داشته باشند (Hayashi, 2006: 116,117). ژاپن نیز آسه‌آن+۶ را در مقابل آسه‌آن+۳، به‌منظور کاهش نفوذ چین در منطقه شرق آسیا ایجاد کرد. ژاپن در سال ۲۰۰۲ و حتی قبل از آن دریافته بود که اگر درنگ کند، چین جایگاه این کشور را در

1- Yoshirō Mori

2- Junichiro Koizumi

آینده روابط منطقه‌ای به چالش خواهد کشید. ژاپن پیوسته تلاش‌های خود برای اقناع سران آسه‌آن مبنی بر افزایش اعضای رژیم منطقه‌ای و تشکیل سران شرق آسیا را گسترش می‌داد و در این امر نیز موفق شد نظر کشورهای جنوب شرق آسیا را جهت وارد کردن اعضا بیشتر (موازنه-سازی در مقابل چین) به گروه‌بندی منطقه‌ای شرق آسیا جلب کند. در راستای افزایش فعالیت‌های رژیم مذکور، ژاپن و کشورهای آسه‌آن نیز طرح‌هایی را اجرایی کردند تا جایگاه آن را تثبیت کنند.

۲-۵- طرح‌های ارائه شده در قالب آسه‌آن+۶

۱-۲-۵- مشارکت جامع اقتصادی در شرق آسیا^۱

مشارکت جامع اقتصادی در شرق آسیا برای پشتیبانی از آسه‌آن+۶ در سال ۲۰۰۷ در سران شرق آسیا توسط ژاپن مطرح شد و بلافاصله گروهی مطالعاتی برای بررسی [امکان اجرایی ساختن] آن به وجود آمد (Hiratsuka, 2011: 335). سران شرق آسیا از دبیرخانه آسه‌آن درخواست کرد، بازه‌ای زمانی را جهت مطالعه و بررسی این طرح تهیه و آماده کند. جلسات گروه مطالعاتی مشارکت اقتصادی جامع در شرق آسیا، تاکنون چندین بار به ریاست ژاپن برگزار شده و مشارکت‌کنندگان ملزم شده‌اند در مورد مسائل مربوط به این طرح گزارش دهند (Hiratsuka, 2011: 335). طرح مزبور، ۱۰ کشور آسه‌آن و ۶ کشور چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزیلند را دربرمی‌گیرد. اگرچه چین و کره جنوبی از ایده ژاپن پشتیبانی نکرده و هر دو نشان دادند اولویت اولیه آن‌ها طرح منطقه آزاد تجاری آسه‌آن+۳ است، آسه‌آن و هند از طرح ژاپن استقبال کردند. در سال ۲۰۰۶ سفیر سابق ایالات متحده در ژاپن، توماس شفر، اظهار کرد: نگرانی‌هایی درباره طرح منطقه آزاد تجاری شرق آسیا وجود دارد که می‌تواند به منافع ایالات متحده در منطقه آسیب برساند. او گفت: «باعث نگرانی ما است وقتی افراد درباره چیزی حرف می‌زنند که مستثنی‌کننده ایالات متحده از آسیا است. ایالات متحده منافع عظیمی در منطقه دارد و

1- Comprehensive Economic Partnership in East Asia (CEPEA)

2- Thomas Schieffer

می‌خواهد قسمتی از آسیا باشد» (IBP, 2008: 172). طرح پیشنهادی ژاپن مطمئناً تأثیر چین بر آسه‌آن و جایگاه آسه‌آن در تجارت آزاد آسیا را کاهش می‌داد. چین و ژاپن هرکدام به دنبال تشکیل گروه‌بندی‌های همکاری اقتصادی در جنوب شرق و شمال شرق آسیا و منطقه گسترده‌تر آسیا اقیانوس آرام، برای افزایش نفوذ سیاسی اقتصادی نسبی خود هستند (Lee & others, 2015: 38).

۲-۲-۵- مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسه‌آن و شرق آسیا

ابتکار نیرومند حکومت ژاپن برای تشکیل مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسه‌آن و شرق آسیا، در استراتژی ژاپن جهت کمک به گسترش ادغام اقتصادی در شرق آسیا و حفظ و توسعه حضور ژاپن در این منطقه ریشه دارد. ریشه طرح، راهبرد اقتصاد جهانی^۲ بود که توسط وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت^۳ در سال ۲۰۰۶ اعلام شد. براساس طرح مزبور، گروه تخصصی مؤسسه تحقیقات اقتصادی شرق آسیا شامل: متخصصانی از ۱۶ دولت عضو سران شرق آسیا و نمایندگان از دبیرخانه آسه‌آن است که در سال ۲۰۰۶، مذاکره برای مفاهیم، دستوالعمل‌ها، ساختارهای سازمانی، زمینه‌های تحقیقاتی و پروژه‌های ظرفیت‌سازی که باید در طرح توسعه یابند را آغاز کردند. نمایندگان ژاپن مذاکرات داخلی گروه تخصصی را رهبری می‌کردند. ژاپن مجدداً طرح ایجاد مؤسسه تحقیقات اقتصادی شرق آسیا را در دومین نشست سران آسه‌آن در سال ۲۰۰۷، با مدنظر قرار دادن گفتگوهای گروه تخصصی مطرح کرد و دیگر شرکت‌کنندگان از آن استقبال کردند. مؤسسه در سال ۲۰۰۷ شروع به توسعه برخی پروژه‌ها کرد و در سومین نشست سران شرق آسیا، درخصوص ایجاد مؤسسه تصمیم‌گیری شد. نشست هیئت مؤسس آن، در سال ۲۰۰۸ برگزار شد و هیئت مؤسس، اساسنامه تشکیل مؤسسه را تصویب کردند. اهداف مؤسسه، کمک

1- Economic Research Institute for ASEAN and East Asia (ERIA)

2- Global Economic Strategy

این راهبرد در تلاش است تا به سؤالاتی نظیر: چگونه ژاپن می‌تواند به ادغام منطقه‌ای شرق آسیا در راستای ایجاد نظم منطقه‌ای مناسب کمک کند و چگونه ژاپن حضور خود در منطقه را حفظ کند، پاسخ دهد.

3- Ministry of Economy, Trade and Industry (METI)

به ادغام منطقه‌ای در شرق آسیا، با پیشبرد سیاست تحقیقاتی در سه محور اصلی: تعمیق همگرایی اقتصادی، کاهش شکاف‌های توسعه و توسعه پایدار بوده است (Oba, 2014: 62,63).

۳-۲-۵- مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای

طرح چین برای بررسی امکان منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۰۵، براساس عضویت آسه‌آن+۳ مطرح شد. یک سال بعد، پروژه منطقه آزاد تجاری جایگزین ژاپن به نام: مشارکت اقتصادی جامع برای شرق آسیا مطرح شد که اعضا آن شامل آسه‌آن+۳ به‌علاوه استرالیا، هند و نیوزیلند بود (Dent, 2017: 200). ژاپن طرح خود را در سال ۲۰۰۶ مطرح کرد و برخی حمایت‌ها به تدریج پیدا شد. هند، نیوزیلند و استرالیا سریعاً تمایل مثبت خود را اعلام داشتند، در حالی که دبیرکل آسه‌آن، اونگ کنگ یونگ^۱ اظهار کرد: این طرح در طول ده سال قابل دستیابی است. از سوی دیگر، دولت‌های عضو آسه‌آن نسبت به امکان اجرای طرح بدبین بودند. چین و کره جنوبی نیز خوشبین نبودند؛ مبنی بر چین که فکر می‌کرد این طرح ممکن است به‌عنوان ابزار تعرض به نفوذ بلند مدت چین، درون اجتماع منطقه‌ای شرق آسیا باشد. چین نیز بیشتر به‌دنبال منطقه آزاد تجاری در قالب آسه‌آن+۳ بود که هند، استرالیا و نیوزیلند را شامل نمی‌شد. این دیدگاه‌های متعارض در جلسه افتتاحیه سران شرق آسیا در دسامبر ۲۰۰۵ نمایان شد. مالزی، تایلند و فیلیپین بیشتر متمایل به حمایت از دیدگاه چین بودند تا ژاپن، اما حمایت‌ها به اندازه‌ای نبود که یک طرف بر دیگری بچربد. اگرچه به‌نظر می‌رسید طرح ژاپن در نشست دوم سران شرق آسیا پیروز شود، اما اجماعی برای مذاکرات وجود نداشت (Dent, 2008: 220). تقابل بین دو مدل ادغام منطقه‌ای آسه‌آن+محرور، با سازش چین و ژاپن به پایان رسید و ابتکار مشترک چین-ژاپن برای سرعت بخشیدن به تشکیل دو طرح (منطقه آزاد تجاری شرق آسیا چین و مشارکت اقتصادی جامع برای شرق آسیا ژاپن) در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. در این طرح چین و ژاپن مشترکاً ایجاد سه گروه کاری جدید (برای تجارت کالا، تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری) را جهت آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری مطرح کردند. این طرح با استقبال کشورهای آسه‌آن مواجه شد و در

نوامبر ۲۰۱۱ رهبران آسه‌آن چارچوبی را برای مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای امضا کردند و آن را جایگزین دو طرح قبلی ساختند. در هفتمین نشست سران شرق آسیا در نوامبر ۲۰۱۲ رسماً مذاکرات طرح بین طرفین آغاز شد (Oba, 2014: 62). چین و ژاپن هر دو نامزدهای بدیهی رهبری شرق آسیا هستند و باید نقش خود را بازی کنند. ژاپن، نیازمند تحرک بیشتری برای خنثی کردن چالش‌های چین است (Chirathivat, 2006: 87). چین به صورت فعال به دنبال منطقه‌گرایی محدود در چارچوب آسه‌آن+۳ است، در حالی که ژاپن همراه با اندونزی و سنگاپور رویکردی وسیع‌تر به مسئله عضویت دارند که از طریق ایجاد و گسترش آسه‌آن+۶ در راستای موازنه نهادی در مقابل سلطه چین است (Roberts, 2013: 284).

جدول شماره ۲: آسه‌آن+۶

بازیگر اصلی	کشورهای حاضر	طرح‌ها	اهداف	دستاوردها
ژاپن	آسه‌آن، چین، ژاپن، کره	منطقه آزاد تجاری شرق آسیا (چین)	گسترش همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فراهم کردن زمینه جهت دستیابی به ادغام منطقه‌ای (دلیل حمایت ژاپن از این نهاد؛ کنترل و تعدیل قدرت چین است)	منطقه آزاد تجاری شرق آسیا، و همچنین گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه
	جنوبی، استرالیا، هند، نیوزیلند	مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسه‌آن و آسیای شرقی (ژاپن)		
		مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (چین و ژاپن)		

۶- نتیجه‌گیری

بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا موجب دگرگونی ساختار این منطقه شد و کشورهای شرق آسیا، توجه بیشتری به منطقه‌گرایی مبذول داشتند. نمود بارز دگرگونی در این راستا، شکل‌گیری نهادهایی شامل: آسه‌آن+۳ و آسه‌آن+۶ است. چین با ایجاد آسه‌آن+۳ سعی دارد موجبات تثبیت جایگاه خود را در منطقه شرق آسیا فراهم کند و با طرح‌های مختلف به‌دنبال اجرایی ساختن هدف خود است. چین توانسته است بعد از گذشت دو دهه، روابط تجاری و اقتصادی گسترده‌ای با کشورهای آسه‌آن برقرار سازد و پیوسته به‌دنبال حمایت از سازوکار محدود و منسجم‌تر آسه‌آن+۳ باشد. ژاپن با مشاهده روند تصاعدی نفوذ چین در منطقه، سعی کرد از کشورهای رقیب چین مانند: هند جهت ایجاد موازنه در برابر رشد فزاینده حضور این کشور در جنوب شرق آسیا استفاده کند. پیگیری این هدف منجر به تشکیل سران شرق آسیا (آسه‌آن+۶) شد که علاوه بر آسه‌آن+۳، سه کشور هند، استرالیا و نیوزیلند را شامل می‌شود. ژاپن همچنین موفق شد کشورهای آسه‌آن را مجاب کند که حضور فزاینده چین برای آینده مناسبات منطقه‌ای زیان‌آور است و در نهایت کشورهای آسه‌آن نیز با دو هدف کسب منافع اقتصادی بیشتر و ایجاد موازنه در مقابل چین، عضویت گسترده‌تر (سران شرق آسیا) را پذیرفتند و منطقه آزاد تجاری شرق آسیا (شامل ۱۶ کشور) با عنوان مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای با موافقت تمام طرفین در حال پیگیری است. این رژیم تا کنون (مارس ۲۰۱۸)، ۲۱ دور مذاکره را پشت سر گذاشته و به‌دلیل تعدد اعضا، امکان موافقت همه‌جانبه دشوار، ولیکن عملی و طولانی‌مدت است. هند که پیش‌بینی می‌شود در آینده نه چندان دور به قدرتی بزرگ تبدیل شود، یکی از اهرم‌های اصلی ژاپن برای محدودسازی و ایجاد موازنه در برابر چین است. هرکدام از دو رژیم مزبور، نشانگر استراتژی بلندمدت چین و ژاپن برای شکل‌دهی به ساختار منطقه‌ای است. به‌نظر می‌رسد، با مشاهده میزان نفوذ و حضور چین در منطقه شرق آسیا و درک و توجیه کشورهای منطقه جهت محدودسازی چین، در چشم‌انداز منطقه‌ای، ما شاهد فعالیت‌های بیشتری در قالب سران شرق آسیا باشیم، اما نکته حائز اهمیت، دشوار بودن ادامه همکاری در صورت بروز تضاد منافع بین قدرت‌های حاضر در رژیم‌های مزبور است که این امر با افزایش قدرت طرفین نیز دور از ذهن نخواهد بود. این

نکته را هم نباید از نظر دور داشت که به مرور زمان و براساس تجربیات کسب‌شده، کشورها می‌توانند سازوکارهای مختلفی را جهت جلوگیری از تعارض و حتی در صورت وقوع، برای حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات به‌کار گیرند. با وجود این چالش‌ها، روند منطقه‌گرایی در شرق آسیا، چشم‌انداز مثبتی را نشان می‌دهد و به‌نظر می‌رسد در آینده نزدیک شاهد همکاری‌های بیشتری در سطح منطقه‌ای باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Basu Das, Sanchita. (2016). *The ASEAN Economic Community and Beyond: Myths and Realities*. Singapore: ISEAS.
2. Bobowski, Sebastian. (2016). *East Asia Summit or ASEAN Plus Eight: An Insight into Asian Regionalism from the Perspective of Japan*. Poland: Wrocław University of Economics.
3. Chuan Ong, Eng (2003) "Anchor East Asian Free Trade in ASEAN". *The Washington Quarterly*. Vol.26, No.2, pp: 57-72.
4. Tanaka, Akihiko (2007). "The Development of the ASEAN+3 Framework" In: *Advancing East Asian Regionalism*. Melissa Curley; Nicholas Thomas, London and New York: Routledge.
5. Lee, You-il; Benson, John & Zhu, Ying (2015). "Economic Clustering in Northeast Asia: China, Japan, and Korean Integration" In: *After-development Dynamics: South Korea's Contemporary Engagement with Asia*, Anthony P D'Costa, Oxford: Oxford University Press.
6. Dent, Christopher M. (2008). *China, Japan and Regional Leadership in East Asia*. Cheltenham and Northampton: Edward Elgar Publishing.
7. Dent, Christopher M. (2017). *East Asian Regionalism*. London and New York: Routledge.
8. Hörhager, Elisa I (2016). "China-ASEAN Relations and the South China Sea: Beyond Balancing and Bandwagoning?" In: *Power Politics in Asia's Contested Waters: Territorial Disputes in the South China Sea*, Enrico Fels; Truong-Minh Vu, Switzerland: Springer International Publishing AG.
9. Hiratsuka, Daisuke (2011). "Institutions and Policy Coordination for Further Integration" In: *The Economics of East Asian Integration: A Comprehensive Introduction to Regional Issues*, Masahisa Fujita; Ikuo Kuroiwa & Satoru Kumagai, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing.
10. Wang, Marion chyun-yang (2009). "China's Policy on Regional Cooperation in East Asia" In: *Greater China in an Era of Globalization*, Sujian Guo; Baogang Guo, Lanham: Lexington Books.
11. Hamanaka, Shintaro. (2010). *Asian Regionalism and Japan: The Politics of Membership in Regional Diplomatic, Financial and Trade Groups*. London and New York: Routledge (Sheffield Centre for Japanese Studies).
12. Hayashi, Shigeko. (2006). *Japan and East Asian Monetary Regionalism: Towards a Proactive Leadership Role*. London and New York: Rutledge.
13. Hirakawa, Hitoshi (2004). "Globalization and Regional Cooperation in East Asia" In: *Co-design for a New East Asia After the Crisis*, Hitoshi Hirakawa; Young-Ho Kim, Tokyo: Springer Japan.
14. International Business Publications. (2008). *Brunei Air Force Handbook*:

- Strategic Information and Selected Weapon Systems. Vol. 1, Washington D. C.
15. Thomas, Nick (2004). "Towards an East Asian community: implications of the EAVG report" In: Asian Regional Governance: Crisis and Change, Kanishka Jayasuriya, London and New York: Routledge Curzon.
 16. Kawai, Masahiro (۲۰۰۵) "East Asian Economic Regionalism: Progress and Challenges", Journal of Asian Economics, Vol. 16, 29-55.
 17. Kawai, Masahiro. Wignaraja, Geneshan. (2008). EFTA or CEPEA: Which Way Forward. ASEAN Economic Bulletin, Vol. 25, No. 2, 113-139.
 18. Shimizu, Satoshi (2014). "Asian Bond Market Initiative: The Way Forward" In: Financial Globalization and Regionalism in East Asia, Takuji Kinkyō; Yoichi Matsubayashi & Shigeyuki Hamori, London and New York: Routledge.
 19. Hirakawa, Hitoshi (2005). "East Asia and the development of regionalism" In: Beyond Market-Driven Development: Drawing on the Experience of Asia and Latin America, Costas Lapavistas, London and New York: Routledge.
 20. Li, Mingjiang. (2012). China Joins Global Governance: Cooperation and Contentions. United Kingdom: Lexington Books.
 21. Lewis, Meredith Kolsky (2012). "Achieving a Free Trade Area of the Asia-Pacific: does the TPP present the most attractive path?" In: The Trans-Pacific Partnership: A Quest for a Twenty-First-Century Trade Agreement, C. L. Lim; Deborah Kay Elms & Patrick Low, Cambridge: Cambridge University Press.
 22. Dowling, Malcolm (1990). "Structural Change and Economic Development in Developing Asia in the 1990s" In: Economic Development in East and Southeast Asia: Essays in Honor of Professor Shinichi Ichimura, Seiji Naya; Akira Takayama, Singapore and Hawaii. ISEAS and EWC.
 23. Rajan, Ramkishan. S. (2003). Economic Globalization and Asia: Essays on Finance, Trade and Taxation. Singapore: World Scientific Publishing company.
 24. Rana, Pradumna Bickram. (2012). Renaissance of Asia: Evolving Economic Relations Between South Asia and East Asia. Singapore: World Scientific Publishing.
 25. Nemoto, Yoichi; Nakagawa, Satoshi (2014). "Regional Financial Cooperation in East Asia: Development and Challenges" In: ASEAN-Japan Relations, Takashi Shiraishi; Takaaki Kojima, Singapore: ISEAS.
 26. Stubbs, Richard (2002) "ASEAN Plus Three: Emerging East Asian Regionalism?", Asian Survey, Vol.42, No.3, 440-455.
 27. Sudo, Suetō. (2014). Japan's ASEAN Policy: In Search of Proactive Multilateralism. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
 28. Suzuki, Sanae (2004) "East Asian Cooperation through Conference Diplomacy: Institutional Aspects of APT Framework" IDE APEC Study Center, Working Paper Series 03/04. No.7.
 29. Roberts, Christopher B (2013). "The Future of Regionalism in East and South-East Asia" In: East and South-East Asia: International Relations and Security

- Perspectives, Andrew T. H. Tan, London and New York: Routledge.
30. Weatherbee, Donald E. (2005). *International Relations in Southeast Asia: The Struggle for Autonomy*. USA, Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
31. Chirathivat, Suthiphand (2006). "ASEAN's Role and Interests in the Formation of East Asian Economic Regionalism" In: *Integration in Asia and Europe: Historical Dynamics, Political Issues, and Economic Perspectives*, Paul J. J. Welfens; Franz Knipping; Suthiphand Chirathivat & Cillian Ryan, Berlin, Germany: Springer.
32. Yoshimatsu, Hidetaka. (2014). *Comparing Institution-Building in East Asia: Power Politics, Governance, and Critical Junctures*. New York: Palgrave Macmillan.
33. Curley, Melissa; Thomas, Nicholas (2007). *Advancing East Asian Regionalism*. London and New York: Routledge.
34. Oba, Mie (2014). "The new Japan-ASEAN partnership: Challenges in the Transformation of the Regional Context in East Asia" In: *ASEAN-Japan Relations*, Takashi Shiraishi; Takaaki Kojima, Singapore: ISEAS
35. Schott, Jeffrey J; Muir, Julia (2012). "US PTAs: What's been done and What it Means for the TPP Negotiations" In: *The Trans-Pacific Partnership: A Quest for a Twenty-First-Century Trade Agreement*, C. L. Lim; Deborah Kay Elms & Patrick Low, Cambridge: Cambridge University Press.
36. Levy, Jack S. (2004). "What Do Great Powers Balance Against and When" In: *Balance of Power: Theory and Practice in the 21st Century*, T. V. Paul; James J. Wirtz & Michel Fortmann, California: Stanford University Press.